

## سقوطِ مفهومی جهاد در چرخه‌بازی های تنظیمی

پس از فروپاشی حاکمیت سیاسی حزب وطن و متحدین سیاسی آن، که همزمان فروپاشی تمام ساختار ها و دستگاه های سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و تاسیسات مدنی و فرهنگی افغانستان را در پی داشت، مجاهدین در نخستین ضیافت تسلیم گیری، اقتدار دولتی را بعنوان غنیمت باد آورده میان تنظیم های جهادی تقسیم نمودند . تطبیق سناریوی مثلث ( ایران ، روسیه و پاکستان ) معطوف بر این فروپاشی ، ضمن آنکه نیرو های جهادی بخصوص جمعیت اسلامی و حزب وحدت اسلامی را بمساعدت و مشارکت عملی بخشی از نظامی ها و ملکی های سر شناس حزب وطن در نتیجه یک کودتا بقدرت رسانید همزمان « نخستین » اثر تردید در مورد حقانیت و پاکیزه گی جهاد را نیز به صدا در آورد .

گرچه محیط مرفه و ایجابات عرف دولتمداری و حکومت داری مجاهدین را یک مقدار از نظر سیاسی اهلی ساخت ولی دیری نگذشت که زخم چرکین اختلافات تنظیمی ناشی از تفاوت سمت و سوی نسخه جهاد که توسط تاسیسات استخباراتی کشور های تمویل کننده تجویز گردیده بود دهان باز کرد . تلاش برای انحصار اقتدار دولتی اختلافات دیرینه تنظیم ها را از عمق به سطح کشانید، گلابیاتور های جهادی جنگ های تنظیمی را وارد خونبار ترین مرحله ان نمودند و بزودی اشوب فراگیر تقابل مسلحانهء دسته های یاغی مجاهدین که هیچ مرز و سرحدی را نمی شناخت به افت بی علاج اجتماعی مبدل گردید . تسلط بر شهر کابل « مرکز اقتدار » به مضمون اصلی جهاد مبدل گردید، مجاهدین در عمل فقدان مدیریت و توانانی برای تامین استقرار وضعیت سیاسی و نظامی را به نمایش گذاشتند . مال ، جان ، عزت و ناموس مردم بخصوص شهریان کابل زیر پاشنه های

استبداد و خود کامگی های جهادیان زیر و زبر گردید و در نتیجه فصل های خونین شهنامه ی ویرانی کابل و تراژیدی تبعید های اجباری باشندگان ان رقم خورد .  
مجادله وحشتناکِ تنظیمی و تکبیرهای کاذب جان ۶۵۰۰۰ کابلی بی دفاع را گرفت و مردم افغانستان درک کردند که انسوی معادله ی جهادچیزی جز یک مشت اهداف پراکنده منابع تمویل کننده جهاد نیست و بدینگونه « دومین » خشتِ دیوار اعتماد و باور مردم نسبت به جهاد به لرزه درآمد .

طالبان پس از تصرف بی درد و سر شهر ها و حرکت بسمت کابل مجاهدین و دسته های دنباله رو انها را تا غروبِ افتابِ جهاد در گردنه های هندوکش و پنجشیر بدرقه کردند که بعد ها این تحصن اجباری بنام دوره مقاومت شهرت یافت ، با این فرار بز دلانه ، مردم بی دفاع بار دگر در تله ی استبداد طالبانیزم گیر مناندد ، ظرفیت ومیزان وفاداری و احترام جهادگران نسبت به جان و ناموس مردم بشدت زیر سوال رفت و در پی اثرات ناشی از فشار روانی بیداد گری های طالبان مردم در برابر مجاهدین بشدت عقده مند شدند و بدینترتیب « سومین » خشت دیوار اعتماد مردم نسبت به مجاهدین نیز در اعماق سقوط کرد .

کنفرانس بن فرصت جدیدی را در نظام سیاسی افغانستان برای مجاهدان میسر گردانید، جامعه جهانی در چوکات یک بر نامه بزرگ و در یک مشارکت وسیع استراتژییک بشدت در مبارزه با تروریزم مصروف گردید، دولت نو بنیاد که محصول کنفرانس بن شمرده میشد و ظاهرا ارزش های جهاد تکیه گاه انرا میساخت بلحاظ ضعف مدیریت نتوانست بدنه ی نظام و افزار های سیاسی انرا از تیر رس هجوم پروژه های استخباراتی کشور های همسایه و ذیدخل در قضایای افغانستان در امان نگه دارد و در نتیجه بازیگران منطقه یی و تاسیسات استخباراتی انها بزودی در بستر دستگاه های حقوقی، قضایی و تقنینی افغانستان مهره های جهادی متعهد به خود را تعبیه کردند ، در حدی که سازمانهای استخباراتی کشور های منطقه در دستگاه های حقوقی ، قضایی و تقنینی افغانستان بلند گو و سخنگویان بر حال و و اشکار خود را پیدا کردند و در عمل این دستگاه ها نه تنها به دست و پای مفلوج نظام مبدل شدند بلکه بمراکز و لانه های مخالفین دولت ، نیروی ترمز کننده اقدامات دولتی و جریان هدایت کننده فرار از مرکز نیز مبدل شدند .

فساد سازمان یافته سیاسی، اختلاس، رهبری پروژه های پر درآمد مواد مخدر، ادم ربایی قتل های زنجیره ای، و مخالفت اشکار با آزادی بیان، مطبوعات و تاسیسات تمدنی از همین مراکز با مشارکت عملی مجاهدان اداره میگردید و تا کنون ادامه دارد.

این موقعیت طلایی سران تنظیم های جهادی را در رقابت ملیونر شدن و ملیاردر شدن بار دگر در برابر همدیگر قرار داد و تداوم این وضعیت و نتایج حاصله از آن قشر جدیدی از اشرافیت متمول جهادی را بمیدان آورد و اینک همین پول های باد آورده است که در دو دور انتخابات میداندار عرصه ی تصمیم گیری هایست که باز هم سر نوشت مردم بیچاره افغانستان را به گروگان گرفته است.

و اما امریکا که روزگاری بزرگترین منبع تمویل هزینه جهاد بود اینک انکشافات و تحولات افغانستان را به شدت زیر نظارت دارد.

- امریکا با وصف زمینگیر شدن در پراگندگی تحولات جغرافیای خاور میانه روی حفظ قاعده ی مشارکت استراتژیک خویش در افغانستان پا فشاری دارد.
- امریکا آرام آرام بگونه ی جدید خود را در بساط این قاعده ارسته میکند.
- برای تامین هدف هموار ساختن بستر های این قاعده امریکا باید در جستجوی افزار های جدید برآید.
- مناسبات امریکا با همراهان منطقه ای وی در قضیه ی افغانستان در ازدحام تحولات چشمگیر سیاسی درین منطقه رنگ بدل کرده است.
- افزار های موثر و نیدخل در ماجرای افغانستان باید از نو تعریف و انتخاب شوند.
- قرار نیست که امریکابا ورق های افشا شده در بازی های کلان روی میز مشارکت های استراتژیک بازی کند.
- امریکا پیوسته با توجه به ماهیت بازی و سمت و سوی قاعده بازی به مهره های یک بار مصرف نیاز دارد.
- تیوری جهاد در نتیجه ی کثرت استفاده و شکست های پی در پی در روند حرکت های تنظیمی دگر نمیتواند بعنوان یک انگیزه در میدان های سیاسی جولان کند.

دینامیزم تفکر جهاد در مجموعه ی حرکت های تنظیمی اهسته اهسته فعلیت خود از دست میدهد •

جهاد به عنوان یک مقوله قرانی بشدت گرفتار یک بحران مضاعف است ، هم در ذهنیت عامه و هم در میدان سیاست •

در دنیای عرب ارزش دینی این مقوله تا سطح جهاد النکاح فرو می لغزد •

در کشور ما ارزش دینی این مقوله تا سطح شعار های درجه سوم سیاسی تقلیل می یابد •

جهاد خاطره ایست که در مدار جاذبه ذهنیت عمومی مردمان جهاد دیده معلق مانده است •

و درست ازین منظر است که جهاد و پیشه ی جهادگری دگر افزار های مناسبی برای ارایش جدید امریکا در میدان های سیاسی افغانستان نمیتواند باشد •

امریکا این نزاکت باریک سیاسی را بخوبی میداند که نه تنها تاریخ انقضای این مُسکنِ پر هزینه فرا رسیده است بلکه عوارض جانبی کار برد مجدد آن درد سر های فراوانی را برای امریکا به بار خواهد آورد •

جریان انحطاط و ورشکستگی تنظیم های جهادی در واقع بیان روشن این واقعیت است که انگیزه جهاد دگر نمیتواند محور کار امدی حتی برای انسجام مجدد چیکده های در حال انقسام تنظیم های جهادی باشد • دعوت جهادیان به تظاهرات در رابطه به جنجال های انتخاباتی که عبدالله انرا یک تهدید بزرگ میخواند چیزی جز یک تابوت خالی بر شانه حواریون شورای نزار نبود ونیز تجربه انتخابات اخیر در افغانستان بوضاحت نشان داد که مردم به جهاد گران اعتماد ندارند و یکسره به آن نه گفتند ، ازینرو هیچ دلیلی باقی نمی ماند که جهاد از نظر امریکا نیفتد زیرا امریکا بخوبی میداند که احیای مجدد جهاد در افغانستان نه تنها یک پروژه ی پر هزینه هست بلکه خیلی زمانگیر نیز هست و یا در وضعیت جدید اصلا غیر قابل باز گشت است •

حمایت کشور های همسایه ی افغانستان از برخی تنظیم های جهادی به معنی حمایت از جهاد نیست بلکه بیشترین این حمایت ها بارِ فرقه پی و اتنیکی دارند زیرا سقوط مفهومی جهاد در چنبره ی بازی های تنظیمی واقعیتی است که تمام زمینه های دیکتاتِ این مفهوم دینی را از سر راه اراده مردم بر خواهد چید •